

# علم أصول الفقه

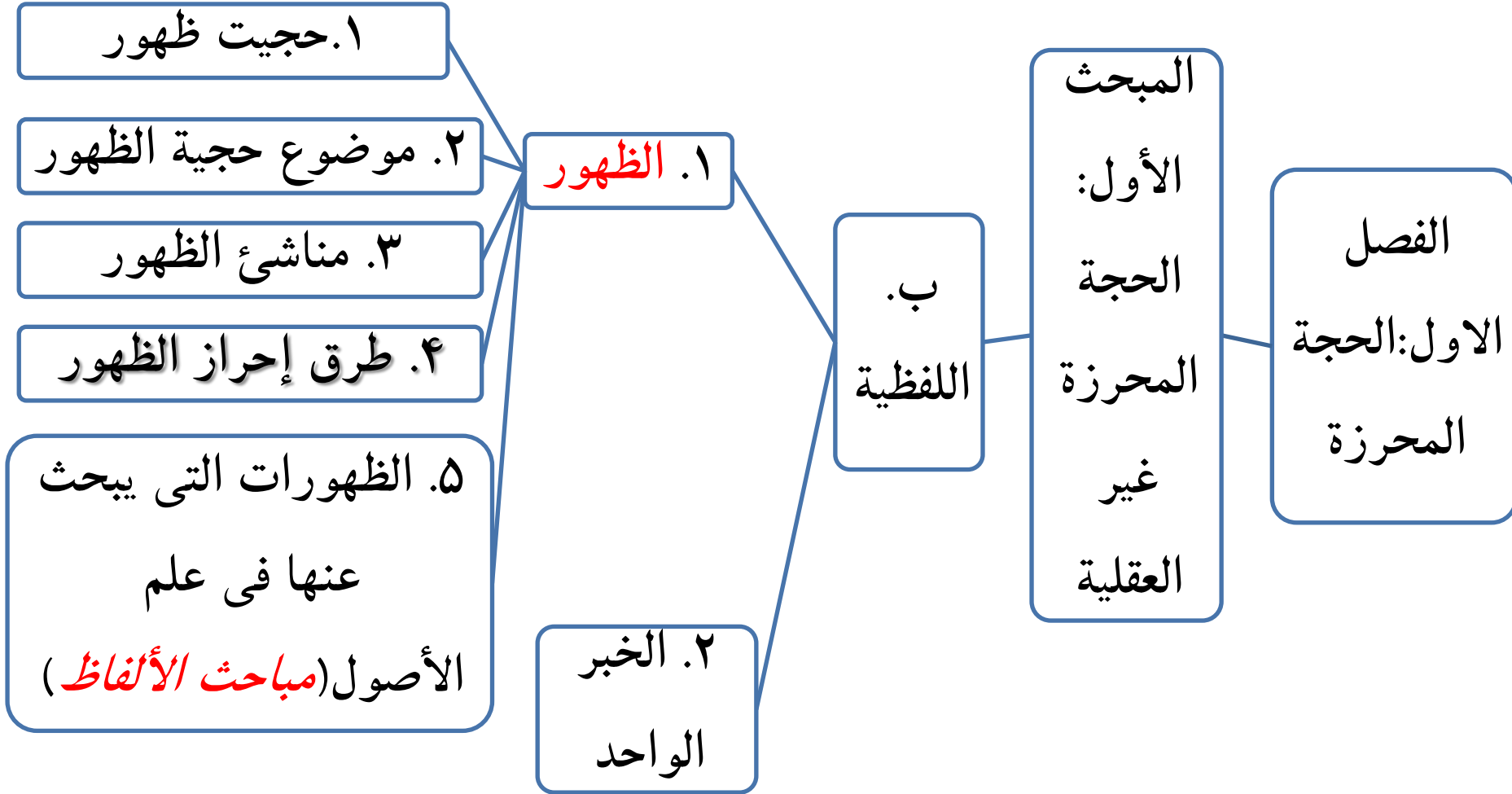
٩٣

مباحث الفاظ ٢٢-٢-٩٤

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## فَإِنِّي قَرِيبٌ

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ  
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (١٨٦)



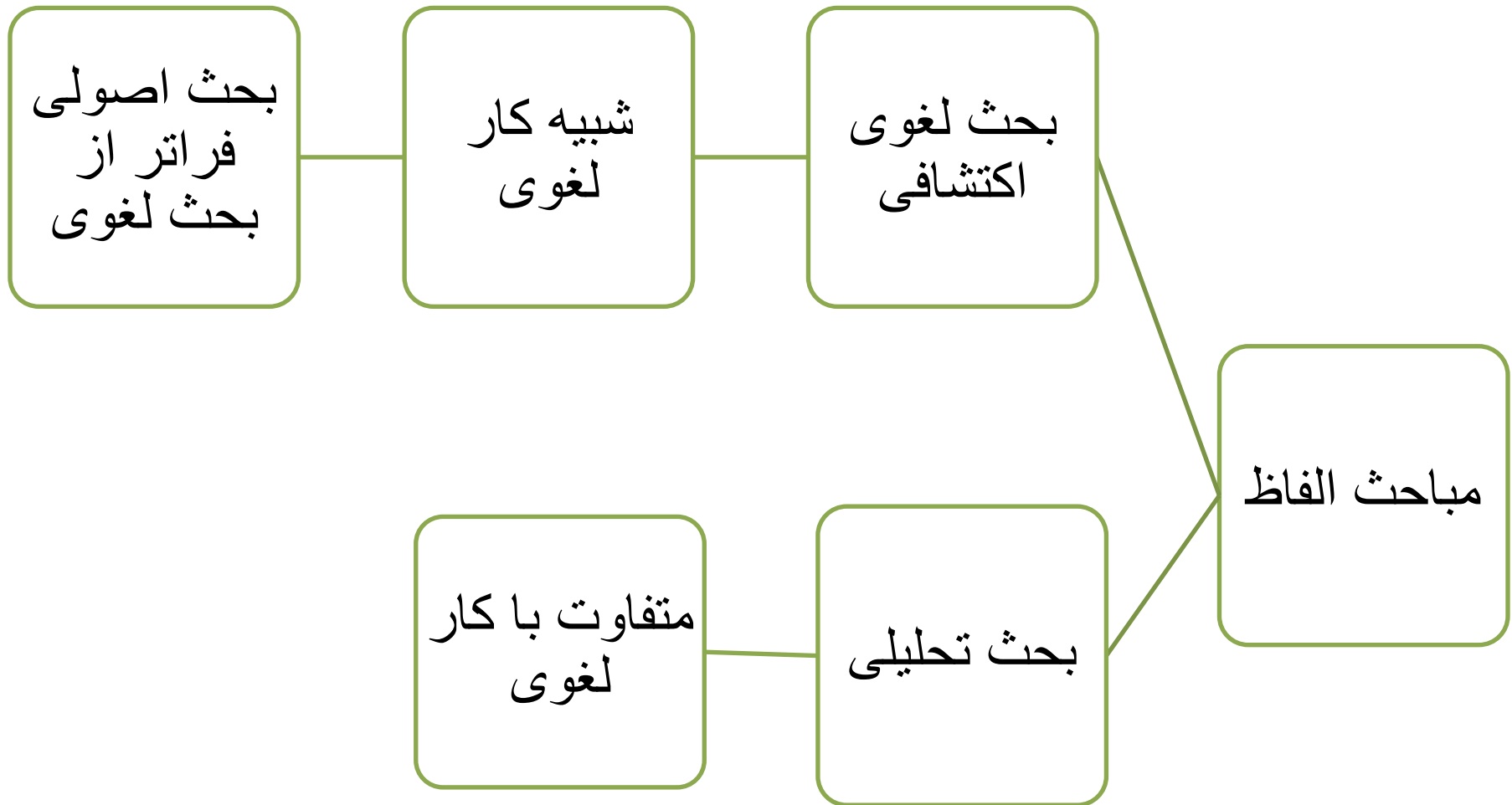
# ۱- اصولی بودن مباحث الفاظ

حجت شرعی که  
به باب خاصی  
از ابواب فقہ فی  
حد نفسه  
اختصاص  
نداشته  
باشد( عناصر  
مشترک در  
فرآیند استنباط)

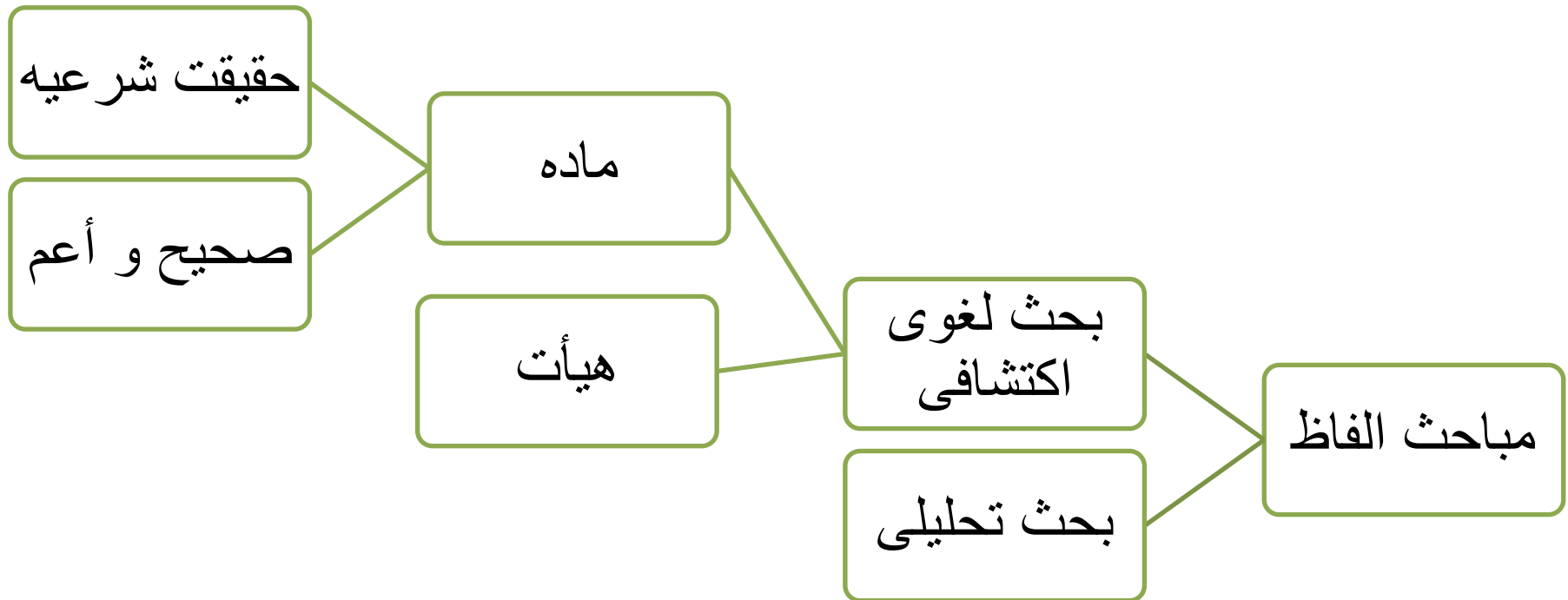
معیار اصولی  
بودن

1- اصولی بودن  
مباحث الفاظ

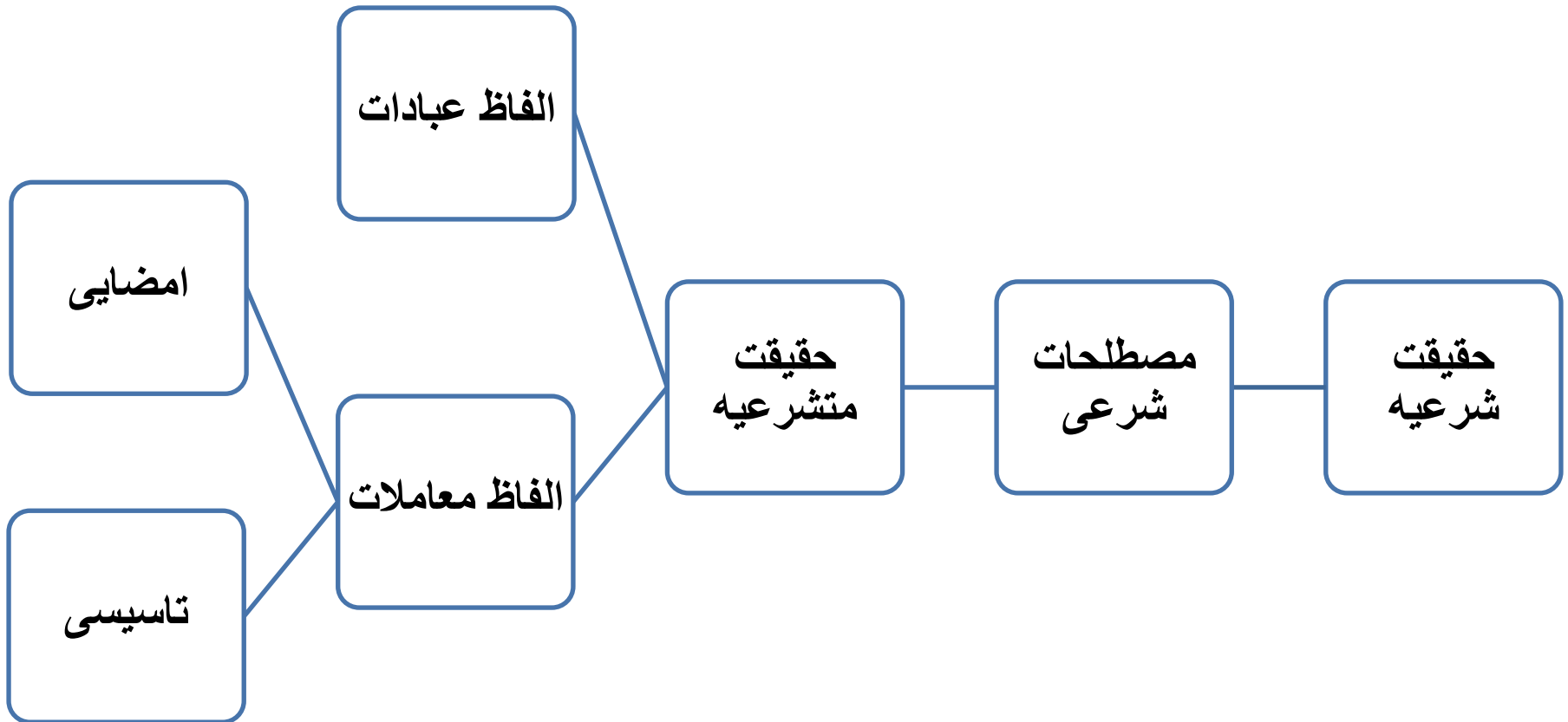
## ۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



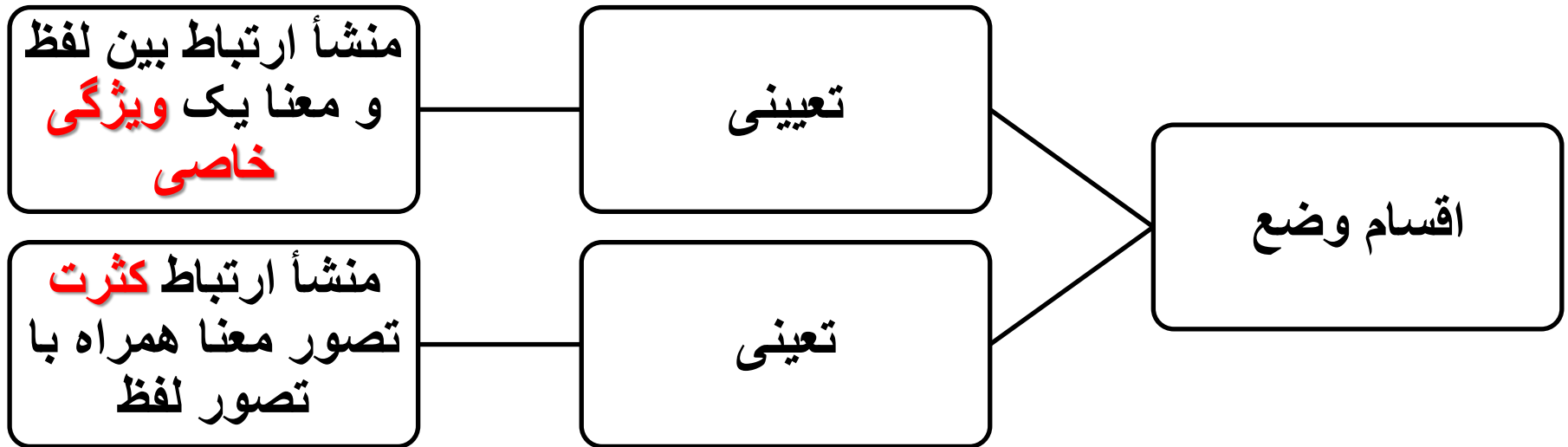
## ۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



# ١- حقيقت شرعيه

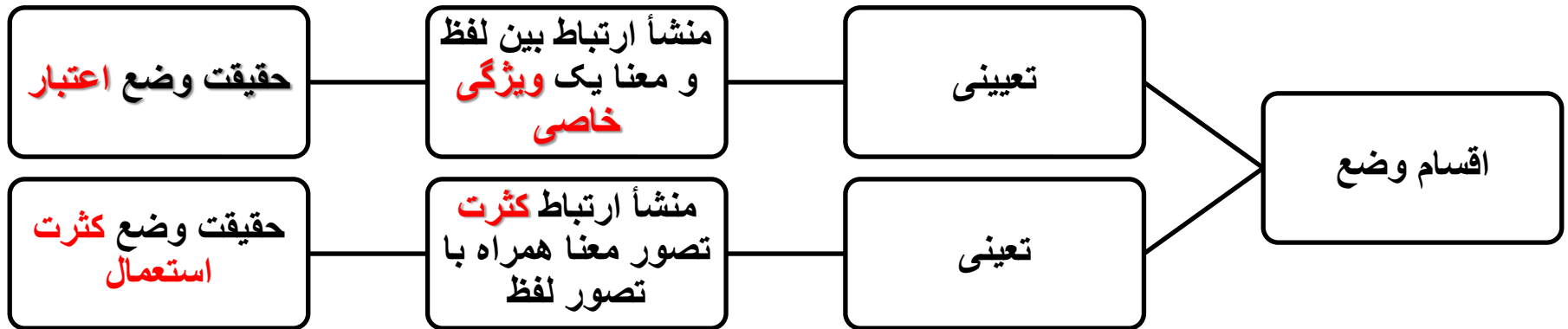


# وضع یکی از مناشیء ظهور

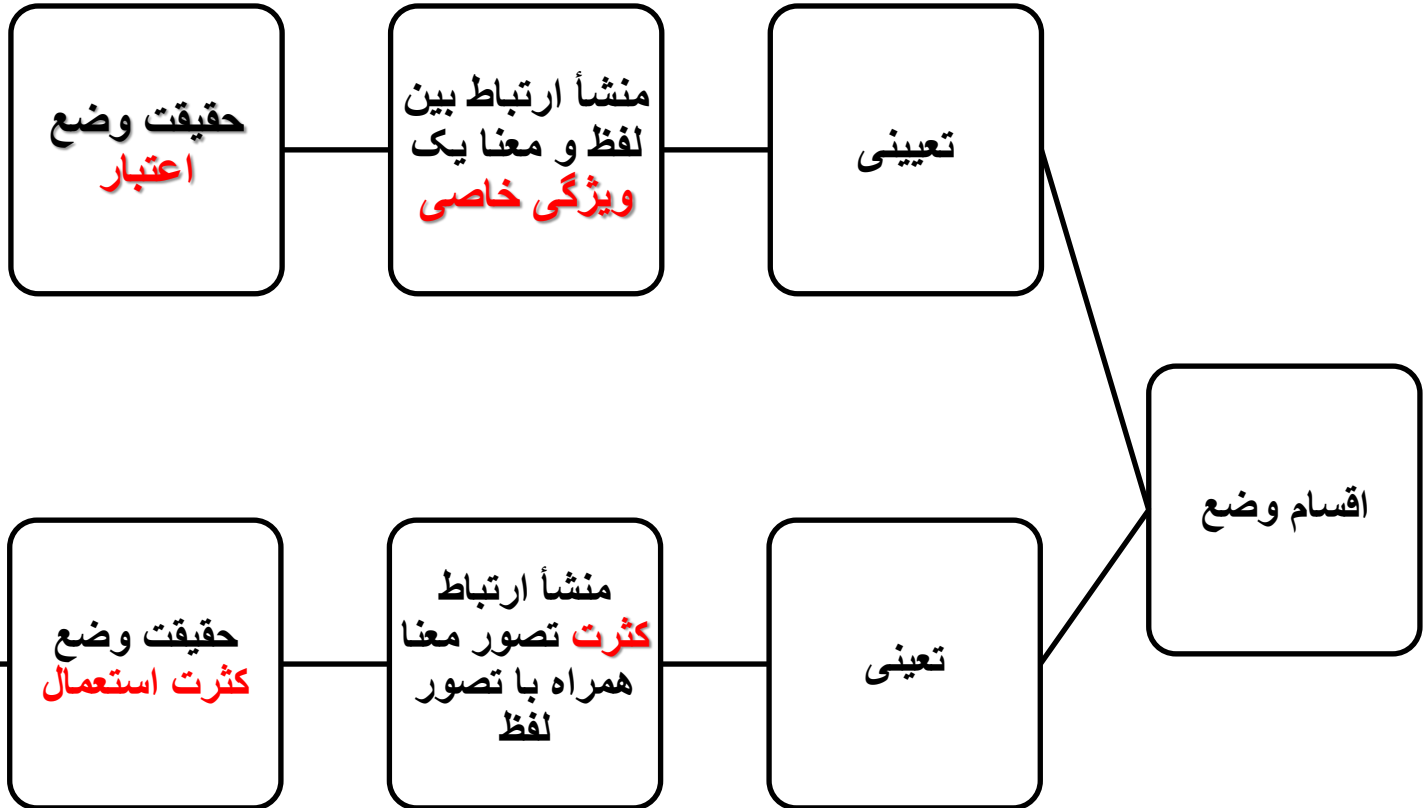




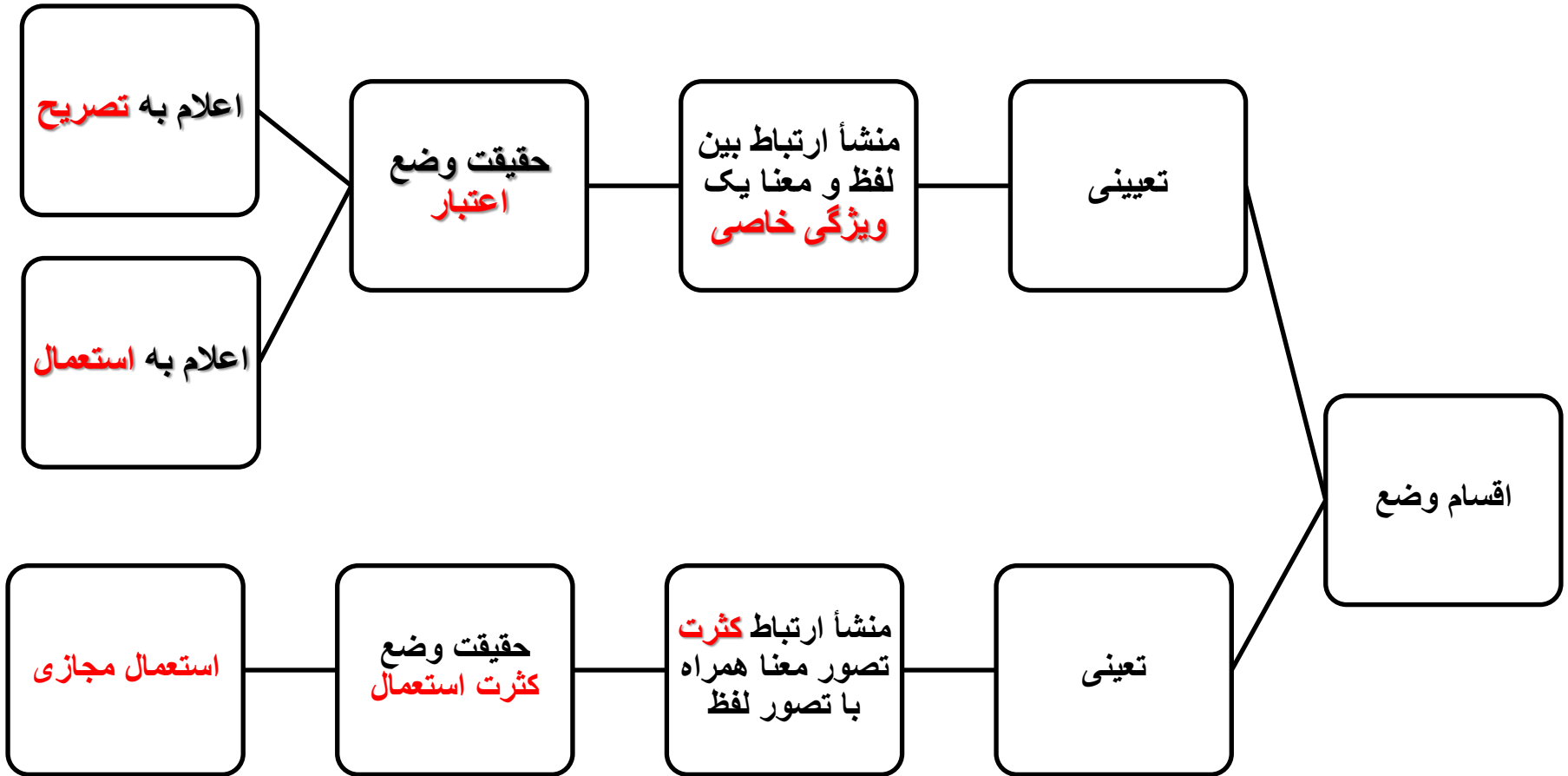
# وضع یکی از مناشیء ظهور



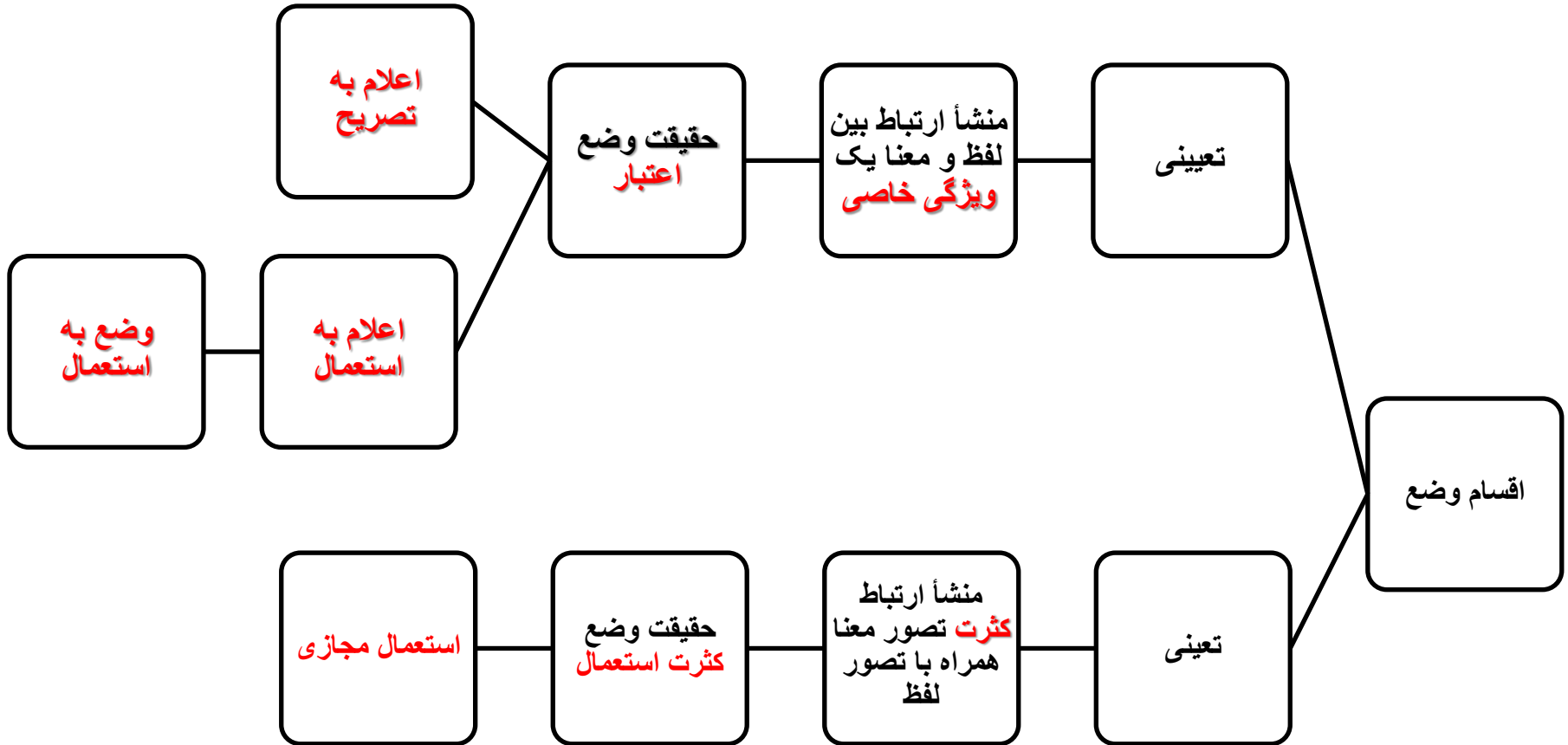
# وضع یکی از مناشیء ظهور



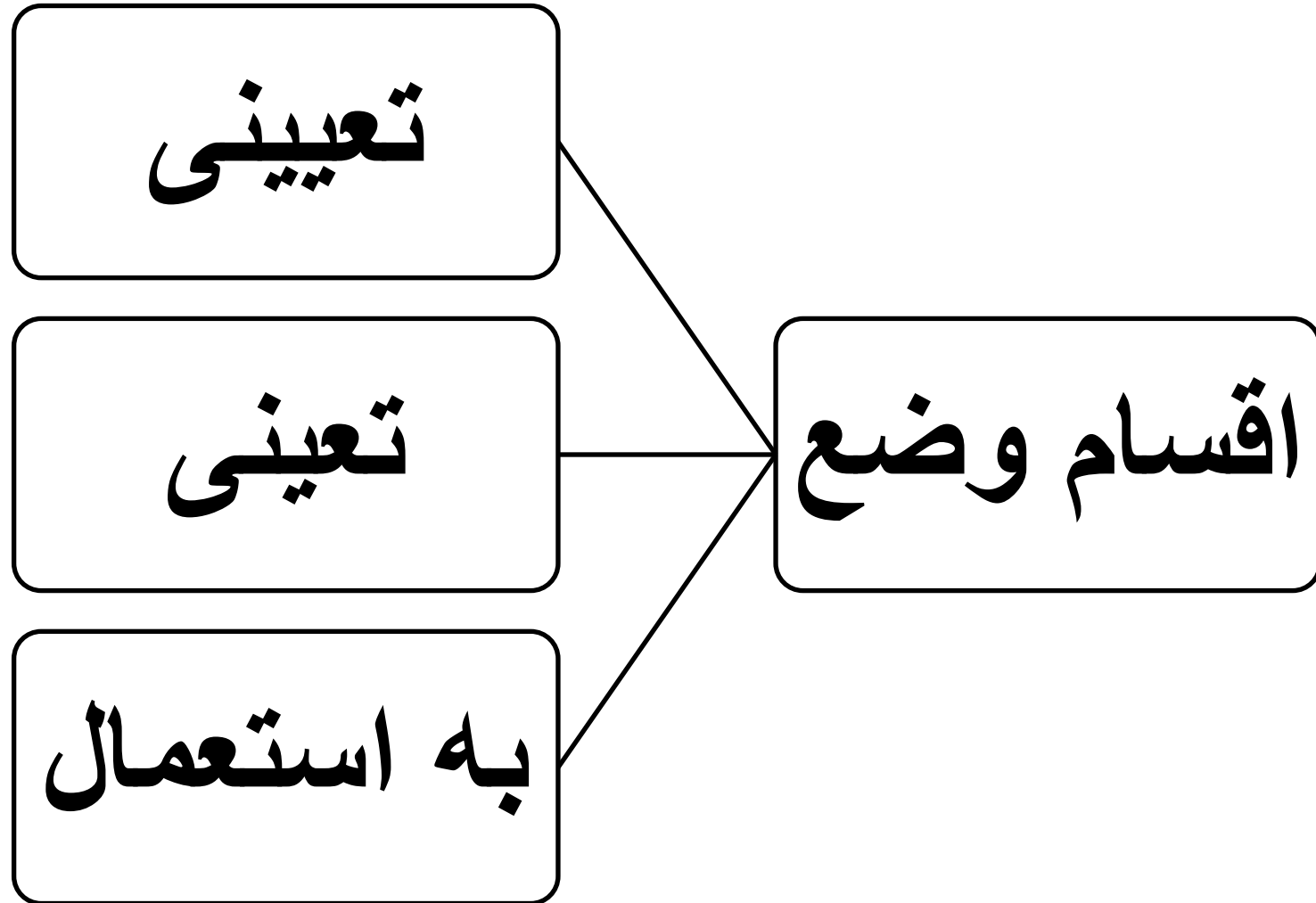
# وضع یکی از مناشیء ظهور



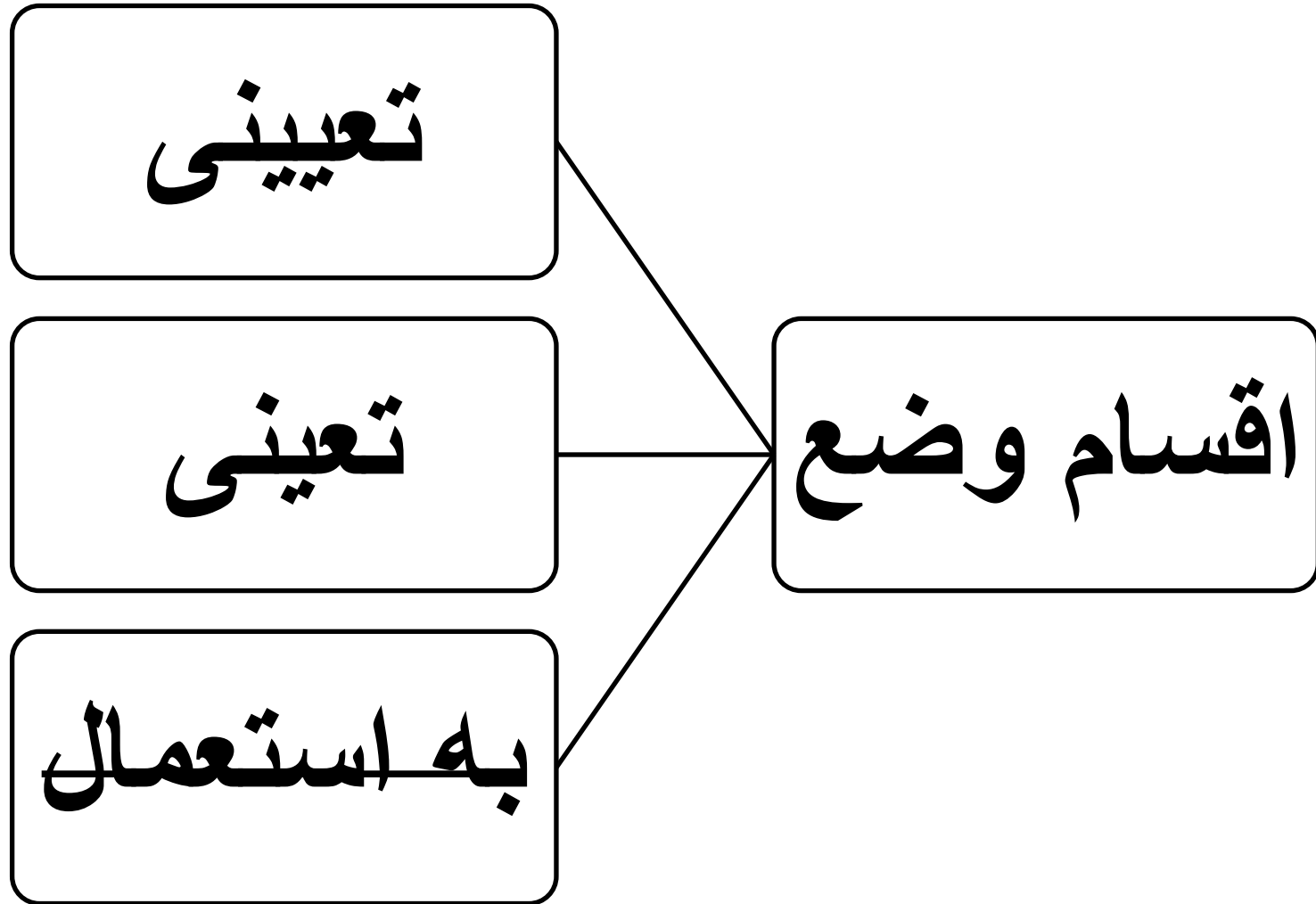
# وضع یکی از مناشیء ظهور



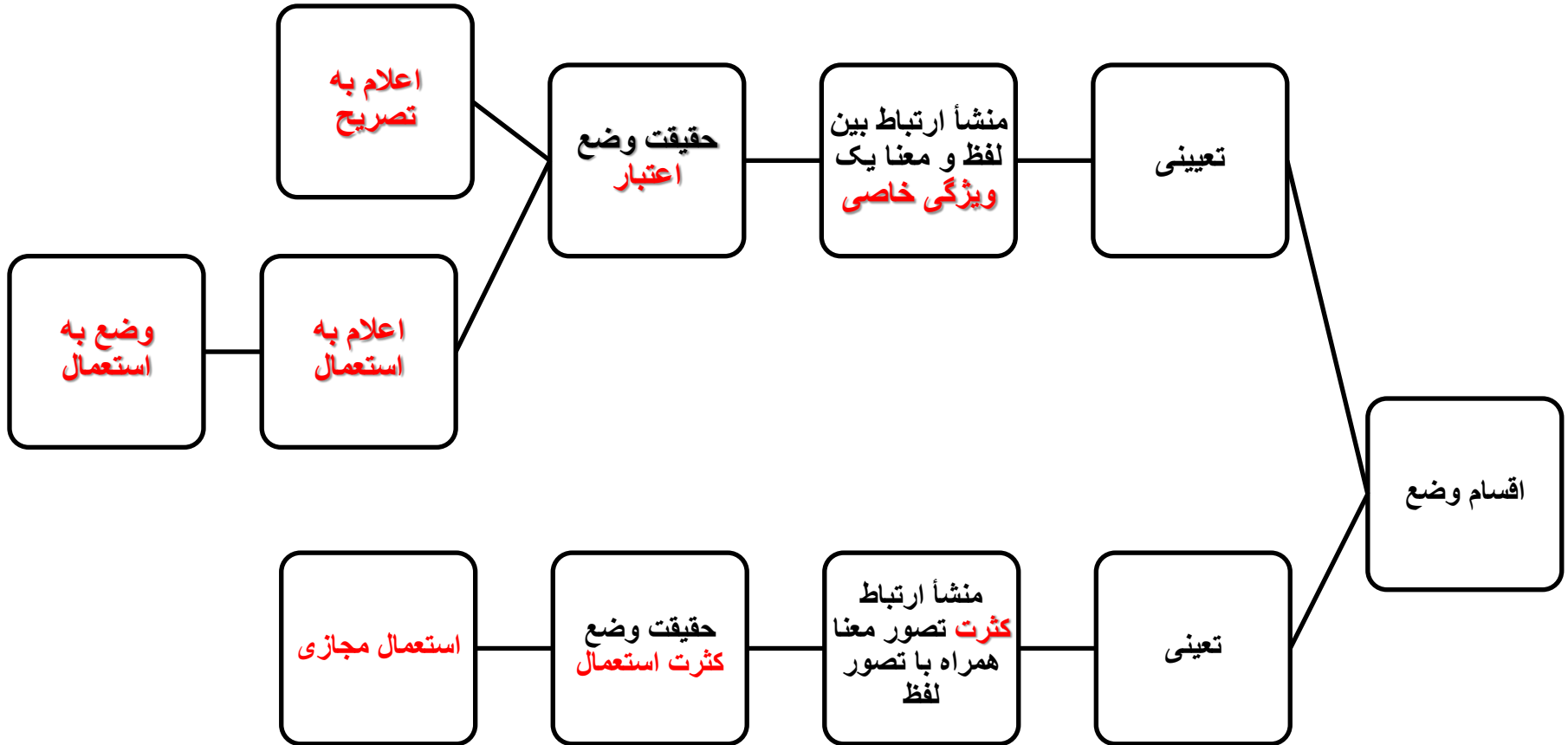
# وضع یکی از مناشیء ظهور



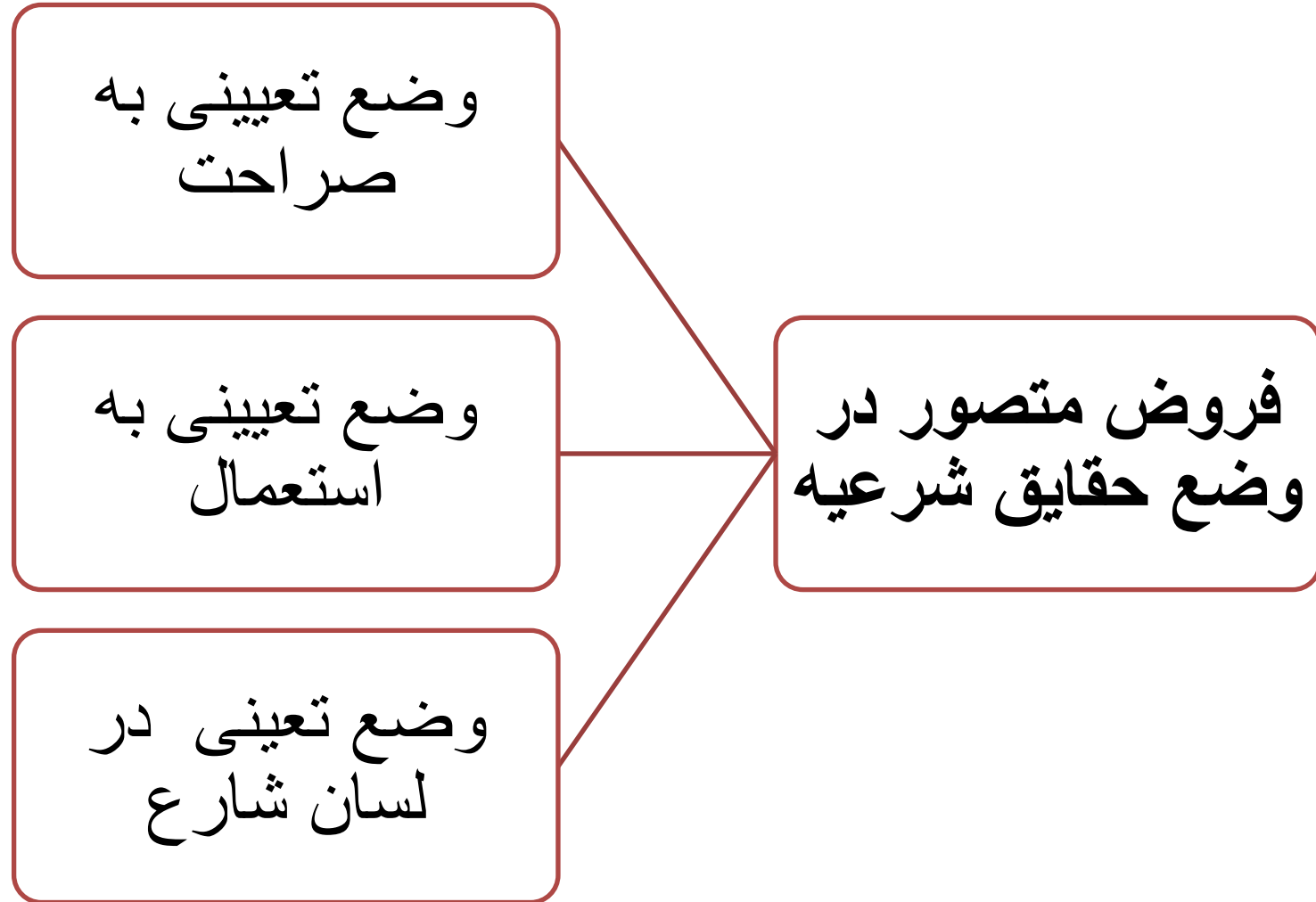
# وضع یکی از مناشیء ظهور



# وضع یکی از مناشیء ظهور



## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه





## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- فرض اول
- درباره این فرض اول امام - رضوان الله علیه - شهید صدر - رضوان الله علیه - و هم دیگران گفته اند ما چنین چیزی را در مورد شارع احتمال نمی دهیم؛ چون اگر شارع یک وضع **تعیینی** با اعلام صریح داشت، حتماً در مصادر روایی برای ما نقل می شد.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- امام - رضوان الله عليه - می فرمایند وقتی ما به میراث روایی خودمان مراجعه می کنیم، می بینیم کوچک ترین جزئیات مربوط به پیغمبر - صلی الله علیه و آله - حتی خصوصیات های ظاهری حضرت و حتی افعال جزئی ایشان برای ما نقل شده است.
- بنابراین عادتاً محال است که حضرت یک کار این چنین (وضع با تصریح در اعلام) انجام داده باشد و هیچ کس این مطلب را برای ما نقل نکرده باشد.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- شهید صدر - رضوان الله علیه - توضیح دیگری دارند که تأکید همین معنا است. می فرمایند وضع به هدف تفهیم و تفهم صورت می گیرد. بنابراین پدیده‌ای نیست که در خفاء غرضش تحقق پیدا کند. غرض از وضع وقتی حاصل می شود که واضع وضع خودش را به دیگران اعلام کند.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- بنابراین اگر شارع یک وضع تعینی با اعلام صریح داشت، حتماً این اعلام صریح به صور علنی و در مرئی و منظر دیگران انجام می‌شد و قاعدتاً حضرت به یک بار یا دو بار اعلام اکتفا نمی‌کرد؛ چون در یک مجلس و دو مجلس تعداد محدودی از افراد بودند و قاعدتاً در هر جلسه‌ای یک عده تازه‌ای می‌آمدند و حضرت برای اینکه این وضع خودش را اعلام کند، باید در جلسات متعدد اعلام می‌کرد و اگر چنین چیزی اتفاق افتاده باشد، الآن باید صدها روایت می‌داشتیم که ناقل داستان این جلسات باشند.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- اینکه گفته شود هیچ یک از این اعلام ها در صدها روایت به ما نرسیده است، عادتاً محال است.
- چگونه ممکن است نسبت به حفظ و نقل چنین چیزی که یک پدیده آشکار اجتماعی بوده است و شارع آن را تصریح کرده است و مسأله ای بوده است که در تفهیم و تفهم شرعی دخالت داشته است، هیچ کس شـ اهتمام نداشته باشد در حالی که عده ای اهتمام داشته اند که حتی دفعات شانه کردن ریش پیغمبر - صلی الله علیه و آله - را نقل کنند با اینکه اگر برای ما نقل نمی شد، ثلمه ای در اسلام پیدا نمی شد!

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- فرض دوم
- بعضی از آنچه برای ما نقل شده، مؤید این معنا است که شارع چنین کاری کرده است؛ مثلاً یک عبارت معروفی از پیغمبر - صلی الله علیه و آله - نقل شده است که حضرت می فرماید: «صلوا کما رأیتمونی اصلی» در اینجا می توانیم بگوییم حضرت لفظ صلاة در همین معنای اصطلاحی را به کار بردند و تصریح نکردند که من لفظ صلاة را برای مجموعه اجزا و شرایط وضع کردم و تحقق این وضع با عمل پیغمبر - صلی الله علیه و آله - نشان داده شده است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- برخی گمان کردند مقصود از وضع بالاستعمال در این مقام آن است که با واضع **با** خود استعمال بخواند وضع کند.
- به همین جهت بعد اشکال کردند که استعمال متفرع بر وضع است. پس دیگر وضع نمی تواند متفرع بر استعمال باشد.
- با توجه به توضیحی که دادیم وضع بالاستعمال نوع جدیدی از وضع نیست و استعمال در آن فقط نوعی اعلام تحقق وضع است؛ البته وضع بالاستعمال به معنای وضعی در کنار دو نوع وضع دیگر فی حد نفسه ممکن است؛ اما برای وقوع این ممکن در لسان شارع باید دلیل اقامه کنیم.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- نظر شهید صدر - رضوان الله علیه - درباره فرض دوم
- ایشان می فرماید عادت عقلا این است که وقتی یکی از ایشان چیزی را اختراع کرده، مخترع خودش نامی برای اختراعش انتخابش می کند.
- بنابراین چون شارع، این معانی شرعیه را اختراع کرده است و شارع هم که یکی از عقلا است، حتماً خودش برای معانی مخترعه اش وضع **تعیینی** داشته است و چون این وضع **تعیینی** به تصریح نبوده است، حتماً باید وضع بالاستعمال بوده باشد. این یک استدلال است.



## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- شهید صدر - رضوان الله علیه - بر این استدلال اشکال می کند و می فرماید:
- این استدلال حداکثر ثابت می کند احتمال اینکه شارع از طریق عقلا تبعیت کرده باشد، بیشتر از این است تبعیت نکرده باشد و این مقدار هیچ حجیتی ندارد؛
- به تعبیر دیگر این بیان صرفاً این ظن را ایجاد می کند که شارع هم لابد طریق عقلا را پیدا کرده است؛ اما دلیلی بر حجیت چنین ظنی وجود ندارد تا بگوییم پس شارع حتماً این کار را کرده است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- در حقیقت در این بیان از استدلال قبل از اینکه بگوییم این وضع، وضع بالاستعمال است، در رتبه سابق می‌خواستیم با این استدلال ثابت کنیم که وضعی از ناحیه شارع وجود دارد تا بگوییم چون این وضع به تصریح بیان نشده است، پس حتماً بالاستعمال بیان شده است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- بیان دیگر از استدلال نوعی تمسک به ظهور عرفی اولین استعمال شارع است. وقتی کسی چیز جدیدی یا معنایی را اختراع کرد، عقلاً انتظار دارند که خود ایجاد کننده آن شیء یا معنا لفظی را برای آن وضع کند. همین انتظار عقلایی باعث می شود که از اولین استعمال او به اعلام وضع پی ببرند؛ یعنی برای آن ها اولین استعمال ظهور دارد در اعلام وضع؛

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- مثلاً فرض کنید کسی یک دستگاهی را اختراع کرده است. بعد در یک مجلسی می‌گوید امروز دستگاهی را که خودم اختراع کردم، به شما نشان می‌دهم. سپس می‌گوید تا چند لحظه دیگر تلفن را به شما نشان خواهم داد. چون این یک چیز تازه‌ای است که آن را ایجاد کرده است، عقلاً انتظار دارند خود همین ایجاد کننده برای آن لفظی را وضع کند. همین انتظار عقلایی باعث می‌شود که وقتی برای اولین بار لفظ تلفن را درباره آن دستگاه استفاده می‌کنند، برای ایشان ظهور پیدا کند در اینکه لفظ تلفن را برای این معنا (صورت دستگاه در ذهن) وضع کرده است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- اگر استدلال این گونه تقریر کردیم، دیگر آن اشکالی که بیان اول ذکر شد، مطرح نیست؛ زیرا اینجا در واقع به ظهور تمسک می‌کنیم و در بحث حجیت ظهور گفتیم مطلق ظهور حجت است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- برای مثال در اینکه امر ظهور در وجوب دارد، دوگونه می توان استدلال کرد. یکبار می گوئیم وقتی عقلا امر را می شنوند، معنای وجوب به ذهنشان می آید. عقلا این معنا را به گوینده انتساب می دهند و با همین معنا در مقابل او احتجاج می کنند و به همین دلیل می گوئیم این معانی (ظهورات) از نظر عقلا حجت است و شارع این حجیت را ردع نکرده است. پس امضا شده است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- بار دیگر می‌گوییم معمولاً عقلاً امر را در وجوب استعمال می‌کنند. ؛ یعنی عقلاً در ۱۰۰ مورد که امر را به کار می‌برند مثلاً در ۹۰ مورد در وجوب به کار می‌برند و در ۱۰ مورد در غیر وجوب به کار می‌برند. آنگاه می‌گوییم چون شارع یکی از عقلاً است، بنابراین مثل عقلاً امر استعمال می‌کند این بیان بدان معنا است که وقتی شارع امر می‌کند، احتمال اینکه معنای وجوبی مقصودش باشد ۹۰ درصد است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- این بیان ربطی به ظهور ندارد و به کاربردش از ناحیه عقلا مربوط می‌شود. حال سؤال این است که صرف این ظن (احتمال با این درصد) چه حجیتی دارد؟



## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- آقای صدر - رضوان الله علیه - می فرمایند اگر تکیه استدلالتان بر عادت عقلائی است، نهایتاً ظن ایجاد می کند و دلیلی بر حجیت این ظن وجود ندارد.
- بیان اول در اصطلاح قاعدة اعم اغلب است. بر این اساس می گوید عقلاً غالباً این کار را می کنند، شارع هم غالباً از عقلاً تبعیت می کند. پس شارع هم همین کار را کرده است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- در بیان دوم وقتی بپذیریم که اولین استعمال مخترع در نزد عقلا در وضع ظهور دارد، می توانیم بگوییم این ظهور در کلام شارع هم هست؛ زیرا در فلسفه اصول گفتیم شارع به شیوة عقلا تکلم کرده است و در بحث ظهورات از عقلا تبعیت کرده است.
- البته این ظهور مورد بحث در اصطلاح یک مدلول التزامی عقلایی است و ظواهر چه مدلول مطابقی و چه مدلول تضمنی و چه مدلول التزامی حجت اند.

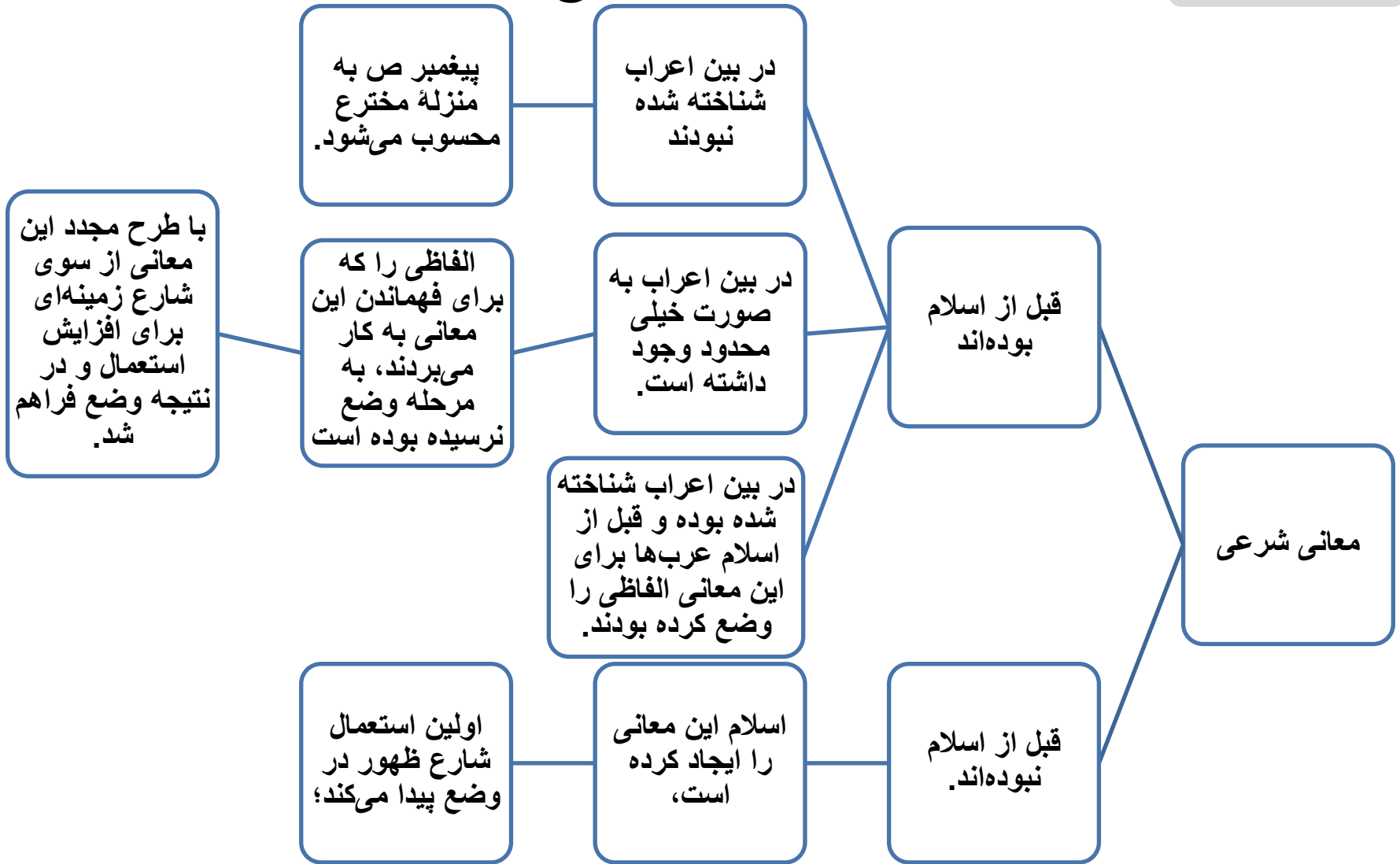
## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- این ظهور در محل بحث، ظهور مستند به لفظ است؛ یعنی الآن همین استعمال این لفظ ظهوری پیدا کرده است و یک معنایی را می‌فهماند و آن معنا این است که من این لفظ برای این معنای تازه‌ای که خودم اختراع کردم، وضع کردم.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- صور محتمل برای معانی شرعی
- همه بحث در این است که آیا این معانی شرعی ای که ما امروز در شریعت داریم مانند صلاة، زکات و خمس همه اختراعات شارع است تا بگوییم اولین استعمالش ظهور در وضع داشته است یا نه.

# فروض متصور در وضع حقایق شرعیه



## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- در اینجا برای این معانی چند احتمال وجود دارد:
- یا این معانی قبل از اسلام بوده‌اند و یا نبوده‌اند. در صورتی که قبل از اسلام نبودند؛ یعنی اسلام این معانی را ایجاد کرده است، همین بحث مطرح می‌شود که اولین استعمال شارع ظهور در وضع پیدا می‌کند؛

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- اما اگر این معانی قبل از اسلام بوده‌اند، سه صورت دارد:
- اول اینکه هر چند این معانی قبل از اسلام بوده‌اند، در بین اعراب شناخته شده نبودند و عرب‌ها لفظی برای این معانی نداشتند؛ مثلاً در ادیان گذشته بوده‌اند؛ اما هیچ مطلبی درباره‌ی اعراب نقل نشده بود و در واقع پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله - اولین معرفی کننده‌ی این معانی به فرهنگ عربی محسوب می‌شده است. اگر این چنین باشد، هر چند پیغمبر مخترع نیست، به منزله‌ی مخترع محسوب می‌شود.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- دوم اینکه این معنا در بین اعراب به صورت خیلی محدود وجود داشته است و لفظی را عرب‌ها برای فهماندن این معنا به کار می‌بردند؛ اما استعمالشان به حدی نبوده است که به مرحله وضع برسد.
- در واقع این معنا را با کمک قرائن و با یک مجموعه‌ای از عبارتها توضیح می‌دادند؛ مثلاً فرض کنید از باب تعدد دال و مدلول یا از باب معنای مجازی استعمال می‌کردند. سپس با طرح مجدد این معنا از سوی شارع زمینه‌ای برای افزایش استعمال فراهم شد و کثرت این استعمال این باعث شد لفظ برای این معنا وضع شود.



## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- صورت سوم این است که این معانی قبل از اسلام بوده و در بین اعراب هم شناخته شده بوده است و قبل از اینکه اسلام بیاید عرب‌ها لفظی برای این معانی وضع کرده بودند. سپس شارع همین الفاظی را که عرب‌ها وضع کرده بودند، استعمال کرده است. پس مجموعاً چهار صورت وجود دارد.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- صور وجود معانی قبل از اسلام
- صورت اول
- در این صورت در واقع شارع مخترع این معانی نیست؛ اما چون اولین کاربرد در زبان عربی توسط شارع صورت می‌گیرد، به منزله مخترع محسوب می‌شود؛ به منزله کسی محسوب می‌شود که معادلی را برای یک لفظ در یک زبانی انتخاب می‌کند.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- صورت دوم
- این صورت فی حد نفسه یک فرض بسیار بسیار نادر است؛ زیرا بسیار بعید است که معنایی در یک زبان شناخته شده باشد ولی هیچ لفظی بازاء آن معنا در آن زبان وضع نشده باشد و همه آشنایان با این معنا از طریق تعدد دال و مدلول یا استعمال مجازی آن معنا را می فهمانند. این بیشتر یک فرض است و عادتاً چنین چیزی محال است؛ البته فرض محال، محال نیست.
- بعد شارع هم همان لفظ را به نحو مجازی استعمال می کند یا از باب تعدد و دال و مدلول این مفهوم را می رساند. وقتی شارع این کار را کرد و تکرار شد، این بار وضع بر اثر کثرت استعمال شارع خواهد بود.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- صورت سوم
- در اینجا معنا در زبان عربی شناخته شده بوده و لفظی هم که با آن این معنا در عربی بیان می‌شده، قبل از اسلام برای این معنا وضع شده بوده است. اینکه به چه شکلی وضع شده بوده است، برای ما اهمیت ندارد.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- با توجه به عادت شارع در تکلم که همان عادت عقلا است و یقین داریم شیوة بیانی شارع همان شیوة بیانی عرب‌های زمان خودش است. بنابراین اگر در بین عرب برای این معانی الفاظی وجود داشته است و شارع می‌خواسته این معانی را به مخاطبین عرب خود بفهماند، همان الفاظ را استفاده می‌کرده است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- از آنجا که این الفاظ قبل از اسلام دارای موضوع له بودند، وقتی شارع آن ها را استعمال می کرده است، به حکم تبادل، اولین معنایی که به ذهن همه می آمده است، همان معنای موضوع له بوده است که در واقع یک معنای شرعی بوده است؛ یعنی در اینجا در واقع آن معنای قبل از اسلام که یک معنای لغوی یا عرفی بوده است با معنای شرعی یکی بوده است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- در همة این فروض ما از اولین کاربردهای شارع بلکه از اولین کاربرد شارع می توانستیم بگوییم که این الفاظ در معنای شرعی ظهور داشته است؛ چون از چهار صورتی که ذکر کردیم در صورت بعد از اسلام و صورت اول، دوم و سوم از صور قبل از اسلام، از اولین کاربرد شارع می فهمیم که این لفظ در معنای شرعی ظهور داشته است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- در صورت سوم از صور قبل از اسلام که فرض نادری است در واقع یک استعمالی قبل از شارع شروع شده بوده که زمینه یک وضع تعینی را فراهم کرده بوده به گونه ای که به محض اینکه شارع چند بار استعمال می کند، این وضع تعینی تحقق پیدا می کند.
- بنابراین در تمام معانی شرعی می توانیم بگوییم از همان کاربردهای روزهای نخستین ظهور در معنای شرعی پیدا می شود.



## فروض متصور در وضع حقایق شرعیہ

- حضرت امام - رضوان الله عليه - هم بر همین معنا اصرار دارند؛ البته ایشان فقط به صلاة مثال زده و فرموده است اگر به استعمال لفظ صلاة در آیات قرآن در سوره‌های مکی مراجعه کنید، می‌بینید در معنای شرعی یعنی همین معنای نماز نه مطلق دعا استعمال شده است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- شهید صدر - رضوان الله علیه - این احتمال را مطرح کرده است که لفظ صلاة و لفظ زکاة در اصل عربی نیستند، بلکه عبری هستند. و در اصل عبری صلوة و زکوة بوده اند. سپس معرب شده اند و تلفظشان تغییر کرده است. آن واوی که در زبان عبری وجود داشته است در نگارش حفظ شده است هر چند در تلفظ خوانده نمی شود. این بیان ایشان مؤید سخن حضرت امام - رضوان الله علیه - است که لفظ صلاة از همان ابتدا در معنای شرعی خودش به کار می رفته است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیہ

- البتہ این بحث هست کہ آیا نماز در فارسی یا صلاۃ در عربی در بین ادیان بہ ویژہ ادیان ابراهیمی از یک حقیقت واحدی برخوردار است یا نہ. آیا صلاۃ اسلامی و صلاۃ مسیحی و صلاۃ یہودی بہ قدری با یکدیگر تفاوت دارند کہ ماہیت ہای جداگانہ تلقی شوند؟ شہید صدر می گوید اگر بہ فرہنگ معاصر مسیحی مراجعہ کنیم، ہمین مراسمی کہ در فارسی بہ آن می گویند عشاء ربانی می گویند، در حقیقت نماز مسیحی است. این صلاۃ مسیحی اصلاً هیچ شباهتی بہ نماز اسلامی ندارد. طوری کہ اینها دو ماہیت و دو مفہوم تلقی می شوند.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- از آن طرف ایشان می گوید قرآن فرموده است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» ؛ یعنی روزه بر شما واجب شد همان گونه که بر اقوام پیش از شما واجب شده بود. بنابراین مفهوم و حقیقت صوم اسلامی مثلاً با صوم مسیحی و صوم یهودی تفاوت ندارد.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- بعد خود ایشان این تردید را مطرح می‌کند که شاید صوم در اینجا به معنای لغوی یعنی امساک است. پس یعنی امساک بر شما واجب شد همان گونه که امساک در اقوام گذشته وارد شده بود؛ اما امساک از چه چیز یا چیزهایی و به چه شکلی و در چه زمانی، ممکن است در ادیان مختلف با هم تفاوت داشته باشد.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- به نظر می‌رسد این نمازی که در مسیحیت یا یهودیت بوده است، شباهت‌هایی به صلاة اسلامی داشته است؛ ولی در اثر تحریفاتی که در ادیان رخ داده است، این شباهت‌ها از بین رفته است. اگر این نباشد یعنی واقعاً صلاة مسیحی یک معنایی متفاوت با صلاة اسلامی باشد و تفاوتشان به حدی زیاد باشد که دو مفهوم جداگانه باشد نه اینکه دو مصداق از یک مفهوم باشند، در این صورت اسلام مبدء و مخترع این معنای جدید می‌شود و در این صورت اولین استعمال شارع در وضع ظهور داشته است.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- بنابراین می‌پذیریم الفاظی که امروز در بین متشرعه دارای معانی شرعی هستند، از همان استعمالات آغازین در زمان شارع در معنای شرعی ظهور داشتند؛ مگر در جایی که قرینه‌ای بخلاف وجود داشته باشد؛ مثل اینکه صلاة در بعضی از استعمالات قرآنی به معنای شرعی (نماز) نیست؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ»؛ یعنی وقتی این‌ها زکاتشان را پرداخت کردند، تو برای ایشان دعا کن که دعای تو موجب آسایش برای آن‌ها است. اینجا مقصود این نیست که برایشان دو رکعت نماز بخوان! یا می‌فرماید: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ». صلوات از ناحیه خداوند مقصود این نیست که خدا نماز می‌خواند.

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- یا می فرماید: «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ». اینجا صلوات با توجه به کاربردی که اینجا دارد و قرائنی که هست، به معنای دعاست نه به معنای نمازهای پیغمبر - صلی الله علیه و آله - . یا می فرماید: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا». اینجا مقصود از یصلی این نیست که خدا نماز می خواند. حتی دعا نیست؛ چون خدا - تبارک و تعالی - که برای کسی دعا نمی کند. مقصود همان خیرات و برکات از سوی خداوند - تبارک و تعالی - است.



## فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

- بعضی‌ها گفته اند اصطلاح مکتب که امروز در زبان فارسی به کار می‌رود؛ مثلاً مکتب اقتصادی، مکتب سیاسی، مکاتب و... برای اولین بار توسط شهید مطهری - رضوان الله علیه - به کار رفت. مفهوم وجود داشت و مفهومی است که از غرب آمده بود؛ اما اولین بار ایشان این لفظ را برای آن مفهوم استعمال کرده است.
- گاهی معادل‌هایی برای یک معنا در یک زبان پدید می‌آید که مفهوم دقیق آن معنا را به مخاطب خودش منتقل نمی‌کند؛ مثلاً **subjective** و **objective** معادل فارسی ندارد، معادل فارسی ندارد و آن الفاظی که برای این دو وضع شده اند مثل شخصی یا عینی در مقابل **subjective** و یا ذهنی و نوعی در مقابل **subjective** هیچ یک آن دو معنا را پیشینه‌ای که در فرهنگ غربی دارند، نمی‌تواند منتقل کند. این موارد از بحث ما خارج است. بحث ما در این است که یک معنایی در یک فرهنگی و یک زبانی وجود داشته باشد و همان معنا در یک فرهنگ یا زبان دیگری فهمیده شود و مشکلی در فهم معنا نیست؛ اما هیچ لفظی به ازای این معنا وضع نشده باشد، بلکه برای فهماندن این معنا از تعدد دال بر مدلول یا استعمال مجازی استفاده شود.
- البقرة : ۱۸۳

## فروض متصور در وضع حقایق شرعیہ

- یکی از اساتید هنگام شروع کتاب حج می فرمودند یکی از نشانه های تحریف در ادیان ابراهیمی گذشته حج است؛ زیرا حج از سنت هایی است که ابراهیم - علیه السلام - آورد در حالی که ما در یهودیت و مسیحیت فعلی سنت حج را نمی بینیم. این ادیان ادامه مسیر ابراهیم - علیه السلام - بوده اند و آموزه های وی قاعدتا نباید در این ادیان حذف می شد همچنان که در اسلام این آموزه وجود دارد، بله ممکن است تکمیل شده باشد و آموزه های دیگری در دین جدید به آموزه های قبل اضافه شده باشد؛ مثلا شکلش پیچیده تر شده باشد. پس همین که در مسیحیت و یهودیت اصل حج هم دیده نمی شود، نشان می دهد که در اثر تحریف اصلاً این عنصر از دین حذف شده است.
- . التوبة، ۱۰۳.
- . البقرة، ۱۵۷.
- . التوبة، ۹۹.
- . الأحزاب، ۴۳.